هفته نامۀ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال نهم - شمارۀ هفدهم ۲۳ اسد ۱۳۸۹ ٤ رمضان المبارک ۱٤۳۱ - 14 Agu 2010

سرمقاله

فرخنده و پاینده باد استقلال

ص۲

رمضان فرصتی برای تغییر و اصلاح

ص۶

په کابل کی د علماوو غونډه او دسولی په راوستلو کی د دوی ونډه



که چیرې هر حرکت د علماوو له خوا او د دوی په خوښه پیل شی او انگیزه ولری او دوی وغواړی او ورته ملاوتړی، نویقینی خبره ده چی د هغه حرکت د بریالیتوب امکانات زیات وي. یواځی د حکومتونو خواست او غوښتنی نشی کولای چی علما په حرکت راولی او د یوی موخی د ترلاسه کولو لپاره وهڅوی!

تیره اوه نی د کابل په ښارکی د علماوو یوه درنه غونډه دایره شوه. دی غونډی یوځل بیا د علماوو نقش او د خلکو په منځ کی د دوی اثرو رسوخ او د بدلونو په راتگ کی د دوی ونډه، را په گوته کړ.

په دی کی هیڅ شک نشته چی په افغانی ټولنه کی علماء ډیر رول لری. که څه هم هغه مقام او ارزښت چی ښایی دوی ته ورکړی شی، په عمل کی نه لیدل کیږی، په تیرو جماتونو امامانو ته او په خاصه توگه په کلیو او بانډوکی، خو بیاهم خلک د دوی خبره منی او نه یواځی په مذهبی مسایلوکی بلکی په نورو برخولکه سیاسی او اجتماعی برخی او د منازعاتو په حل و فصل کی د دوی نظر او مشوره، اکثروته د منلو وړ وي.

۳مخ

هویت زدایی اسرائیل و فشار های اوباما

ص۳

جمهوری اسلامی ایران اوضاع جاری افغانستان را در یک کنفرانس منطقه یی به بررسی می گیرد

روز سه شنبۀ هفتۀ گذشته(۱۹ اسد) سخنگوی وزارت امور خارجۀ جمهوری اسلامی ایران، گفت که کشورش در نظر دارد برای بررسی مسایل افغانستان، نشستی را با حضور کشورهای منطقه و همسایگان افغانستان در تهران برگزار کند.

وی افزود، ایران در نظر دارد از هفت کشور منطقه، برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آورد، اما در مورد دعوت از کشورهای دیگر یا سازمان های بین المللی برای شرکت در این کنفرانس اظهار نظری نکرد و نیز از هفت کشور ی که قرار است در این اجلاس دعوت شود نام نبرد.

سخنگوی وزارت خارجۀ ایران در مورد زمان برگزاری این اجلاس هم توضیحی نداد اما گفت که برگزاری آن، بخشی از ادامه تلاش های جمهور ی اسلامی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و افراطگرایی و یافتن راه حل برای مشکلات افغانستان است.

او در مورد نقش جامعۀ بین المللی گفت: اگر کشورهای دیگر مایل کمک به افغانستان هستند، باید از تلاش های منطقه یی برای حل و فصل بحران کنونی حمایت کنند و در صدد سنگ اندازی در برابر این تلاش ها برنیایند.

مقامات جمهوری اسلامی همواره بر نقش مهم آن کشور در حل و فصل مشکلات افغانستان تأکید نموده اند و با حضور نظامی غرب در کشور مخالف اند.



مشکل کمپنی های امنیتی

سخنان انتقادی رئیس جمهور در این رابطه تازگی ندارد. او قبلا نیز خارجی ها را متهم کرده بود که بیشترین فساد مالی را آنها در افغانستان به راه انداخته اند اما این بار این انتقاد ها بیشتر متوجه کمپنی های امنیتی خصوصی است. پس از اینکه وی از سفر تهران برگشت به صورت جدی مطرح شد.

ص۲



استاد خلیلی به روایت «نوشاهی» دانشمند پاکستان

ص ۴



به مناسبت پنجمین سال وفات اکادمیسین پوهاند عبدالشکور رشاد

ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

فرخنده و پاینده باد استقلال!

نود ویکسال قبل، نیاکان مسلمان، مجاهد و آزادی خواه ما، همه با هم دست بهم داده و آمادهٔ جهاد و غزای دیگر شدند تا استقلال کامل سیاسی کشور خویش را به دست آورند. در گذشته های نه چندان دور، دو بار با قوای تجاوز گر انگلیس که به قصد اشغال و حکومت در این سرزمین آمده و رحل اقامت افگنده بودند، جنگیده و با شیوه های جنگ و نیرنگ دشمنان، آشنا بوده و آن را تجربه کرده بودند.

آن چه که در واقعیت های آشکار و انکار نا پذیر این جنگ و نبرد هاست، انگیزه و رهبری آن است؛ مردم مسلمان ما در اثر تعالیم و ارشادات اسلامی از عقیده، نوامیس ملی و آزادی و استقلال سرزمین خویش در طی قرن ها، سرسختانه دفاع و برای آن مبارزه کردند و دست هر متجاوزی را از این سرزمین اسلامی و تاریخی کوتاه ساخته اند. همه این جنگ ها در تاریخ به نام غزا و جهاد ثبت شده است و مبارزان ضد استعمار و آزادی خواه به نام مجاهد یاد شده اند. در هرجا مردم لوای جهاد را بر افراشته و به قیادت و رهبری علمای دینی در برابر متجاوزان و اشغالگران به قیام و جهاد مسلحانه پرداخته اند. در یک کلام، انگیزهٔ اصلی این قیام ها و غزا ها، کفر ستیزی و آزادی خواهی بر مبنای عقاید اسلامی بوده است. مردم ما می دانستند و می دانند که در جهاد یا به پیروزی می رسند و یا در مسیر راه به شهادت، که هر دو پیروزی است که دنیا؛ آخرت و یا هر دو را بدست می آورند.

همه ملت ها و همه کشور ها از آزادی خواهی و استقلال طلبی خود حرف می زنند و در کتاب های مکتب و یا خطابه ها و مقاله ها با ذکر این مطلب، افتخار می کنند. شاید ملتی وجود نداشته باشد که به جنگ ها و نبرد های آزادی خواهانهٔ خود افتخار نکنند و خود را استقلال طلب ندانند!

ما به دور از این خود ستایی ها و لاف و گزاف ها و با اعتراف به کمبود ها، اشتباهات نیاکان خود در دیروز و به جهاد و مقاومت امروز خود فخر و مباهات نماییم!

نیاکان ما در سال های آغازین قرن بیستم و در فردای جنگ جهانی اول، یکی از ابرقدرت های پیروز جهان (انگلیس) را به زانو در آوردند و مجبور ساختند که استقلال کامل سیاسی افغانستان را به رسمیت بشناسند! و ما در سال های پسین قرن بیستم، بزرگترین قدرت امپریالیستی و جهانخوار زمان (شوروی) را با شکیست مواجه ساختیم و با فضیحت و رسوایی مجبور به ترک کشور خویش ساختیم و دنیا را از این بلای مدهش و تباهکن نجات دادیم.

هنوز یک قرن از حصول استقلال کشور نگذشته ولی هنوز مرام ما و به خصوص جوانان تحصیل یافته ها از حقایق و واقعیت های جنگ استقلال و ص۷

مشکل کمپنی های امنیتی

وحید مژده

پدیدهٔ کمپنی های امنیتی خصوصی بعد از یازدهم سپتامبر با آمدن کمپنی داین کورپ DYN CORP به افغانستان رواج یافت و سپس کمپنی بلک واتر به میدان آمد این کمپنی در ابتدا کار را با وزارت امور داخله در مورد آموزش پولیس افغان آغاز کرد و امنیت نمایندگی های دیپلوماتیک و حتی امنیت رئیس جمهور کرزی را به عهده گرفت.

بعد از آن کمپنی های سیکورتی داخلی هم با مجوز یا بی مجوز رسمی شروع به کار کردند. آشفته بازار کار کمپنی های امنیتی موجب شد تا وزارت داخله از این کمپنی ها خواستار گرفتن جواز گردید و ادامهٔ کار بعضی از این کمپنی ها را غیرقانونی دانست و آن ها را خلع سلاح کرد.

رئیس جمهور کرزی در این اواخر ضمن اینکه از نحوهٔ مصرف پول توسط کشورهای خارجی در افغانستان انتقاد های تندی داشت، از آنها خواست تا کمپنی های امنیتی خصوصی را منحل سازند. وی این کمپنی ها را به کار های خلاف متهم کرد.

حامدکرزی از کشورهای خارجی به صورت جدی تقاضا نمود تا باید حکومت افغانستان را در جریان شرایط قرارداد ها قرار دهند.

سخنان انتقادی رئیس جمهور در این رابطه تازگی ندارد. او قبلا نیز خارجی ها را متهم کرده بود که بیشترین فساد مالی را آنها در افغانستان به راه انداخته اند اما این بار این انتقاد ها بیشتر متوجه کمپنی های سیکورتی خصوصی است. پس از اینکه وی از سفر تهران برگشت به صورت جدی مطرح شد.

گفته می شود که یکی از این کمپنی های امنیتی در کمک به مخالفین مسلح دولت ایران دست داشته است و مقامات ایرانی اسنادی در این رابطه به رئیس جمهور ارائه داده اند که یک کمپنی بزرگ سیکورتی امریکائی که هم در پاکستان و هم در افغانستان فعال است، تلاش در بی ثبات ساختن ایران دارد.

قبل از کنفرانس کابل وزیر مالیهٔ افغانستان در مورد خروج پول از طریق میدان هوائی کابل ابراز نگرانی نمود و خواستار آن شد تا در مورد این پول ها تحقیق صورت گیرد. وی گفت که همه روزه میلیون ها دالر به صورت بانکنوت توسط مسافرین به خارج منتقل می شود.

این اظهارات عکس العمل هایی را در کانگرس امریکا به دنبال داشت. بعضی از اعضای کنگرهٔ امریکا این کار را به فساد اداری در دستگاه دولت افغانستان رابطه داده و گفتند که تا حکومت افغانستان علیه فساد در این کشور به صورت جدی مبارزه نکند، کمک ها به افغانستان متوقف خواهد شد. این دسته از اعضای کنگره نمی دانستند که چرا یک مقام حکومتی افغانستان از این واقعه ابراز نگرانی می کند. دلیل این نگرانی این بود که حکومت افغانستان هم به صورت دقیق نمی دانست که این پول ها از کجا می آید و به کجا می رود. فقط این احتمال وجود داشت که این پول ها مربوط به خود خارجی ها یا کمپنی های هم پیمان آنان باشد.

در طی نه سال گذشته ما شاهد به میان آمدن یک قشر ثروتمند در کشور هستیم که اکثر آنان قبل از یازدهم سپتامبر آهی در بساط نداشتند. حتی بعضی از آنها در ابتدا، کار را از ترجمانی با امریکائی ها آغاز کردند و سپس به شرایطی دست یافتند که توانستند قراردادهایی را به دست آورند. ثروت بادآورده ای که این گروه از این راه به دست آوردند نشانهٔ روشنی از فساد در قراردادهای خارجی هاست.

امروز وقتی چشم ما به پوستر های رنگارنگ کاندیداهای پارلمان می افتد، در میان آنان ثروتمندانی را می یابیم که از همین راه پولدار شده اند و اکنون هوس رسیدن به قدرت سیاسی را دارند.

خارجی ها در مورد قرارداد های بزرگ ده ها میلیون دالری، آنگونه که خود می خواستند عمل کردند. در این مورد حتی موضوع گرفتن ده فیصد کمیشن در ابتدا کاری عادی تلقی می شد که بعدا افزایش یافت. کمپنی ای که این گونه قرارداد را به دست می آورد، آن را به کمپنی دیگری می فروخت و به این ترتیب با دست به دست شدن این قراردادها، کیفیت کار پائین می آمد.

شاهراه کابل قندهار یکی از این مثال هاست که در همان ابتدای کار به دلیل پائین بودن کیفیت کار، انتقاد های زیادی را برانگیخت. حتی مسوولین وزارت فواید عامه بعد از تکمیل این جاده به صراحت گفتند که به دلیل خرابی کیفیت کار، این جاده را از کمپنی لویس برجر تسلیم نشده اند.



کار کمپنی های امنیتی از همه سوال برانگیز تر است. وقتی کسی قصد مسافرت از راه جادهٔ کابل قندهار را داشته باشد، می بیند که افراد مسلح این کمپنی ها در این مسیر آنگونه که خود می خواهند عمل می کنند. ناگهان راه را می بندند و صدها موتر حامل بار و یا مسافر باید ساعت ها در انتظار باقی بمانند. کدام قانون به این کمپنی های شخصی این حق را داده است تا برای مردم دیگر مزاحمت ایجاد نمایند و جادهٔ عمومی را به روی ترافیک ببندند؟ مگر یک شرکت خصوصی که به خاطر منافع مادی خودش کار می کند، چنین حق را دارد؟

حکومت می تواند کمپنی های راجستر شده را در صورت تخلف ببندد و افراد آنها را خلع سلاح نماید اما در مورد همه کمپنی ها کار به همین سادگی نیست. کمپنی هایی وجود دارند که در کنترول مقامات امنیتی کشور نیستند و فقط از خارجی ها دستور می گیرند. زیرا قرارداد هایی با خارجی ها دارند و هیچ نیازی به رابطه با حکومت احساس نمی کنند. این گونه تشکیلات غیرقانونی در حقیقت قدرت های موازی با نیروهای امنیتی افغانستان اند که حاکمیت دولتی در کشور را تضعیف می کنند.

قبل ار یازدهم سپتامبر کمپنی های امنیتی خصوصی در افغانستان وجود نداشت. آغازگر این پدیدهٔ جدید هم افراد عادی نبودند بلکه کسانی در آغاز به ایجاد چنین کمپنی ها دست زدند که با مقامات عالیرتبهٔ دولت چون رئیس جمهور و وزیر دفاع و سایر مقامات رابطه داشته اند. در طول سال های گذشته وقایعی اتفاق افتاد که اعتبار این کمپنی ها را نزد خارجی ها بیشتر ساخت.

به عنوان مثال فقط در یک مورد فردی از این کمپنی ها به کشتن خارجی ها آنهم به دلایل شخصی متهم شد اما در این مدت در چندین مورد افراد پولیس به کشتن خارجی ها دست زدند که رابطه به مخالفین مسلح دولت داشتند.

شکایت از پولیس ملی نزد همه، از مردمان عادی افغان گرفته تا تجار و سکتور خصوصی وجود دارد. با چنین وضعی آیا می توان سفارت های خارجی را وادار نمود تا افراد پولیس افغان را جانشین افراد مسلح کمپنی های خصوصی سازند؟ در یک مورد زمانی که رئیس جمهور دستور داد تا موانع امنیتی از جلوی دفاتر موسسات خارجی برداشته شود بسیاری از این موسسات تهدید کردند که در صورت برداشتن موانع، مجبور اند تا دفاتر خود را ببندند. آیا انحلال این شرکت ها موجب عکس العمل مشابه، این بار از جانب سفارت خانه ها نخواهد شد؟

حتی در موارد زیادی این سفارت ها به افراد امنیتی افغان هم اعتماد ندارند و به همین منظور از کمپنی های سیکورتی خواهان محافظین غیر افغان می شوند در حالی که به محافظین غیر افغان معاشی به مراتب بیشتر از یک محافظ افغان تادیه می شود.

رئیس جمهور از موضوع دیگری هم پرده برداشت و گفت که بعضی از ادارات حکومت افغانستان، هم به حکومت افغانستان و هم به خارجی ها گزارش می دهند. طبیعی است که وقتی خارجی ها امتیازات مادی در اختیار مسوولین اینگونه ادارات می گذارند، قید و شرطی نیز بر آنها اعمال می کنند.

اما در مورد کمپنی های خصوصی امنیتی، خطر بیشتر است. اگر واقعا این مسئله ثابت گردد که این کمپنی ها به دستور خارجی ها دست به اعمال خلاف در آنسوی مرزهای افغانستان می زنند، در این صورت حاکمیت ملی کشور به صورت جدی زیر سوال قرار می گیرد و این کار می تواند تلاشی در جهت بدتر شدن روابط میان افغانستان و کشور های همسایه تلقی گردد.

هویت زدایی اسرائیل و فشارهای اوباما

* سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل *



> گذر زمان برین هویت زدائی ها و فشارهایی ازین قبیل خط بطلان کشیده و ظهور بازیگران جدید در حل قضایای منطقه یی و جهانی گویای این واقعیت است که عمر این هویت زدائی ها و فشارها در حال به پایان

داستان جنایات اسرائیل در سرزمین قدس در جهت نابودی هویت اسلامی آن، داستانی است بس دردبار که تا هنوزهم آغازین عنوان تاریخ نیمه واندی قرن بیست و دههٔ آغازین قرن بیست و یک به خوانش گرفته شده و وجدان های بیدار انسانی را همواره می آزارد و به چالش می گیرد.

خبر داغی که درین روزها از طریق رسانه ها از جمله رسانهٔ عربی زبان الجزیره به نشر رسیده، خبر نابودی قبرستان مسلمانان در قدس اشغالی و تبدیل نمودن آن به پارک تفریحی می باشد.

در پهلوی نشر این خبر از رسانه های یاد شده، نشر خبر فشار اوباما بر رهبر حکومت خود گردان فلسطین محمود عباس، در پیوند به آغاز مذاکرات مستقیم میان فلسطینیان و اسرائیل است که خود تداعی گر همان داستان ایجاد صلح میان گرگ و میش می باشد.

اساساً واقعیت این است که اسرائیل به حکم فلسفهٔ وجودی سیاسی خویش باید به چنین کاری دست یازد و اوباما هم به حیث رئیس دولتی که موجودیت سیاسی اسرائیل در منطقهٔ خاورمیانه، در گرو کمک های بلا دریغ سیاسی اقتصادی او می باشد، باید به همچو یک کاری اقدام ورزد.

پرسش اساسی و محوری که درین راستا، در اندیشه و افکار، جوانه می زند، این است که موضوع عرب ها ـ که به گونه آگاهانه و یا نا آگاهانه قضیه فلسطین را از جایگاه محوری آن در ضمیر امت اسلامی به یک قضیهٔ عربی تبدیل کردند ـ در قبال این قضیه، فاجعه و تراژیدی هویت زدائی اسرائیل چگونه است؟!

واقعیت انکار نا پذیر که همه از آن آگاهی دارند و در محراق توجه جهانیان قرارگرفته است، به گونه یی می باشد که عرب ها در وضع کنونی در برابر قضیهٔ فلسطین چنان موضعی را اتخاذ کردند که شاخصهٔ آن همانا حرکت در جهت تأمین اهداف استراتیژیکی امریکا و هم پیمانان او در منطقه بوده و یاد آور همان ضرب المثل « بیل به روش آب» و حرکت در مسیر باد است که این مصرع شاعر زبان دری « هر چه استاد گفت همان می گویم» آن را تمثیل می کند.

آری! توقع غیر از این گونه موضیعگری هم از ملت دچار شکست روحی توقعی خواهد بود ساده لوحانه !!

بدون شک قدرت حاکم در جهان معاصر که در واقعیت امر همه حوادث جهان را شیرازه بندی و با طرح شعار دموکراسی توجه جهان محکوم به استبداد های داخلی را به خود معطوف داشته اند، در بیرون از جغرافیای سیاسی خویش به تأسی از همان سیاست های دوگانهٔ خود به حمایت از رهبری های گوش به فرمان شان امواج برخاسته از اراده های ملی به نام حرکت های تروریستی سرکوب نموده و حکومت به میان آمده از طریق انتخاب ملت را نا مشروع می خوانند.

رهبری های به نام در جهت عرب هم، به خاطر حفظ کرسی ریاست های استبدادی خویش و انتقال آن ها به ولیعهد های شان در زیر نقاب دموکراسی بقای خود را در گرو جلب رضائیت امریکا دانسته و آن را قلدرانی می پندارند جاودانه و زوال نا پذیر.

حب جاه و قدرت و دوری از ملت و عدم درک قدرت واقعی که در اراده وتائید ملت ها و توده نهفته است ـ چنان پردهٔ ضخیمی را بر چشمان آنان افگنده است که نمی دانند جایگاه قدرت حامی آن ها در تلاطم موج سوم دوران معاصر، چگونه است؟

با وصف آن که کارشناسان و نظریه پردازان عرصهٔ ظهور و زوال قدرت ها، قرن بیست و یک، قرن زوال امپراتوری امریکا عنوان داده اند، اما این فرمان روایان هنوز هم از همسوئی با ارادهٔ ملت عرب در هراس بوده و نمی خواهند با همگامی با اراده های ملی ورق ذلت و اهانت خود را به ورق عزت و کرامت تبدیل نمایند و داغ ننگ از پیشانی های خود را دور سازند.

گذر زمان برین هویت زدائی ها و فشارهایی ازین قبیل خط بطلان کشیده و ظهور بازیگران جدید در حل قضایای منطقه یی و جهانی گویای این واقعیت است که عمر این هویت زدائی ها و فشار ها در حال به پایان رسیدن است.

په کابل کی د علماوو غونډه او دسولی په ...

د افغانستان په تاریخ کی د علماوو نقش په مهمو پیښوکی په څرگنده ډول لیدل کیږي. د افغانستان خپلواکی په دریو جنگونوکی او د پیرنگیانو د ښکیلاک پرخلاف د جهاد د سنگرونو په جوړولوکی د علماوو لاربنودنه تولوته جوته ده او هرکله چی د مسلحانه ضرورت پیښ شوی، د علماوو فتوا او دعا د دی سترو غزا گانو لامل شوی او خلک د خدای د حکم پر اساس او د علماوو په فتوا د جهاد ډگرته ور دانگلی اوله خپلی عقیدی او نوامیسو څخه دفاع کړیده.

همدارنگه کله چی د خلکو او قومونو تر منځ څه اختلاف او ربړه رامنځته شوی، نوبیا د علماوو نصیحت او پریکړه د دی منازعاتو د حل لامل شوی ده.

د علماوو د دی ستر نقش په نظر کی نیولوسره، حکومتونه تل کوشش کړی چی یوه ډله علماو ترځنگ ولری او د هغوی له اثر او رسوخ څخه ناوړه پورته کړي. دی کار هم د حکومتونو هڅوته زیان رسولی او هم د علما و اثر و رسوخ ته !

که چیری هر حرکت د علماوو له خوا او د دوی په خوښه پیل شی او انگیزه ولری او دوی وغواړی او ورته ملاوتړی، نویقینی خبره ده چی د هغه حرکت د بریالیتوب امکانات زیات وي. یواځی د حکومتونو خواست او غوښتنی نشی کولای چی علما په حرکت راولی او د یوی موخی د ترلاسه کولو لپاره وهڅوي!

نن زمونږ هیواد او خلک له یولوی ناورین سره مخ دي په سلهاو وسله وال د بهرنیانو له شتون او زمونږ له دولت سره مخالف دي. دوی غواړی چی بهرنیان له هیواد نه ووځي او اوسنی دولت را وپرزوي! اصلی مشکل په دی کی ده چی مونږ نه پوهیږو او یا نه غواړو چی پوه شو او حقایق او واقعیتونو باندی اعتراف وکړو او د کشالو د حل و فصل لپاره، جدی او عملی گامونه اوچت کړو.

هر کله چی د دولت اویا بهرنیانو پرخلاف کوم حرکت او وسله واله مبارزه پیل شوي ده، نو د حکومتونو له خوا تبلیغ شوی چی!

– دا یوه وړه ډله ده چی د بهرنیانو له خوا لمسول شوي، له هغوی نه پیسی اخلی، روزل کیږی او د بهرنیو استخباراتو لاسپوځی دی او د پیسو د لاس ته راوړلو لپاره جنگ کوي او یا کورونه لوټوی او د خلکو مال او ځان ته خطر دي او ... ټول خلک له حکومت نه راضی دي او دفاع کوي ... دا مخالفین ټول خارجیان دی د فلان او فلان هیواد وگړی دي، اصلا افغانان ندي او ...

اوس هم په رسنیو نه دا خبری اوریدل کیږی او حکومت هم پخوا دا خبری کوي خو اوس لږ واقعیت ته متوجه شوی او نرمې خبرې کوي.

واقعیت دا دی چی ډیری وسله وال مخالفین، طالبان دي او د افغانستان وگړی دي. په دی کی هم هیڅ شک نشته چی ځینی بهرنی (پاکستان، عرب ...) هم دوی سره شته دي.

دوی د عقیدی پر اساس جنگیږی او دا تصور لری چی د وژل کیدو په صورت کی راسا جنت ته ځی نو له دی کبله د ځان وژنی په عملیاتوکی برخه اخلي. هیڅ څوک د یو خارجی هیواد او یا استخباراتی ځانگی لپاره ځان نه قربانوي اونه د پیسو د لاس ته راوړلو لپاره انتحارته چمتوکیږی.

نوکله چی د مشکل او لانجی اصلی مسئله، فکری او عقیدوی ده نو د حل لاره باید هم د عقیدی له پلوه ولټول شی او علما په دی برخه کی کولای شی چی سترنقش ولوبوي.

نه یواځی د افغانستان علما، بلکی د اسلامی هیوادونو غښتلی او برجسته علما په تیره بیا د پاکستان له علماوو څخه غوښتنه وشی چی په دی برخه کی ونډه واخلی.

د دې ترڅنگ، د مخالفینو غوښتنوته هم په جدی توگه پام وشی او له سلا او مشوری نه پس، کله چی خبری پیل شی او دواړه خوا دی یوی نتیجی ته ورسیږی نو لازمه ده چی د علماوو له خوا او د اسلامی هیوادونو د کنفرانس له خوا نه یو تضمین موجود دي او دا اطمینان ترلاسه شی چی د بهرنیانو د وتلو په صورت کی به بیا په افغانستان کی د جنگ او نا امنی لپاره نوری بهانی نه تمول کیږی او د خلکو ژوند له خطر سره نه مخامخ کیږی...

که چیری د اداری او اخلاقی فساد له منځه وړل او د اسلامی شریعت نفاذ، اصلی غوښتنه وي، نو د افغانستان مسلمان ولس له دی غوښتنو سره همغږی دي، همدارنگه له راتلونکی سوله آمیزه ژوند په اطمینان سره، ټول افغانان د بهرنی پوځونو له وتلو سره موافق دي او باید داسی ژمنی او تضمین موجودي وي چې په راتلونکي کې بیا زمونږ خلک له جگړی او خپل منځی کشمکش نه په تنگ نه راځی اونه ځوریږی او د دوی مشروع آزادی ترپښو لاندی نه کیږی...

علماو باید میدان ته راشی او له دواړه خواوونه باور او اعتماد ترلاسه کړی او په کار پیل کړی. خدای دی راولي.

ارائه شده در محفل اکادمی علوم تاجیکستان به مناسبت معرفی کتاب های عارف نوشاهی

(روز سه شنبه (۲۰) جولای ۲۰۱۰ دانشمندان تاجیکستان با دو کتاب جدید از دانشمند فرزانه پاکستان محمد عارف نوشاهی، در رابطه با استاد خلیل الله خلیلی شاعر و محقق افغانستانی آشنا شدند. رئیس اکادمی علوم تاجیکستان محمد شاه هلال اف، در حالی که رئیس انستیتوت شرقشناسی کرامت الله عالم اف؛ سفیر پاکستان و سفیر افغانستان سید محمد خیرخواه و شماری از دانشمندان و ادبای تاجیک حضور داشتند، دو کتاب را جدید را معرفی نمود. بعد شماری از دانشمندان و نوشاهی درمورد صحبت نمودند.. آنچه را در این نبشته می خوانید، نکاتیست که پیرامون آن دو کتاب و عارف نوشاهی، درآن محفل ارائه گردیده است)

درنشست امروز دوکتاب جدید معرفی گردید.کتابهای که توسط دانشمند بزرگ پاکستان محترم محمدعارف نوشاهی، در تاجیکستان نشرگردیده؛ است.

۱- «درکوی خلیل»، تألیف محمد عارف نوشاهی؛ دوشنبه تاجیکستان، تابستان ۱۳۸۹،

۲- «یار آشنا» تألیف خلیل الله خلیلی،(مقدمه نوشاهی)، دوشنبه، تاجیکستان، تابستان ۱۳۸۹،

من بدون مقدمه نکاتی را در زمینه آثار یاد شده که دررابطه به استاد خلیل الله خلیلی، واثری از استادخلیلی پژوهنده وشاعر برتر افغانستان است و درپیوند با ارجمندی کار استاد عارف نوشاهی؛ خدمت دانشمندان محترم عرض می نمایم.

محمدعارف نوشاهی، استاد زبان فارسی و رئیس بخش فارسی دانشگاه گوردن لاهور پاکستان می باشد. دانشمندی که بدون چشم داشت هیچ گونه پاداشی عمریست در راستای اعتلا و آموزش زبان فارسی دری و درجهت معرفی فرهنگ فارسی اسلامی که میراث مشترک حوزه بزرگ تمدنی ماوشماست ؛ خدمت می نماید. عارف نوشاهی تالیفات و تحقیقاتی در زمینه معرفی آثار کلاسیک فارسی دری دارد وحتی آثاری را از متون کلاسیک تصحیح و چاپ نموده که در عرصه تاریخ و فرهنگ ما، برای نخستین بار توسط ایشان معرفی گردیده است.

حضور ایشان و استادان و دانشمندان دیگر زبان فارسی؛ درکشوری که دیگر زبان فارسی دری از کاربرد افتاده است و بخاطر آن کسی به نان و نوایی نمی رسد؛ به اندازه یک ملت ارجمند است. با دریغ که درافغانستان به خاطر تداوم جنگ ها و ایران و تاجیکستان روی عوامل دیگر چون دوری و نا آشنایی الفبا و غیره معرفت با کار های پژوهشی حوزه هند وپاکستان، درپیوند با زبان فارسی دری، محدود مانده است..

به قول استاد عارف، امروز در همه دانشگاه های پاکستان بخش زبان فارسی دری فعال است. استادان خوبی وجود دارد و تا درجه دکترا تدریس و آموزش صورت می گیرد،

جا دارد که استادان و دانشجویان رشته زبان فارسی دری، همه ساله از کشور های فارسی زبان بازدید نمایند وتجربه های عملی زبان آموزی خودرا دربین مردم فارسی زبان این سه کشور سپری نمایند. آرزو می کنم. دانشگاه ها وموسسات اکادمیک سه کشوردر این عرصه که تاخیر بردار نیست ودیر هم شده است ؛ زود تر دست بکار شوند تا هرچه بیشتر وبهتر ازهمدیگر مستفید شویم. با این تذکر، چند نکته درباره دوکتابی که امروز معرفی شدند ؛ عرض می نمایم.

«درکوی خلیل» مجموعه است از نامه های استاد خلیلی به عارف نوشاهی، یاد داشتهای خلیلی درحاشیه برخی ازکتابهاو برخی از مقالات ویا نوشته های خلیلی به مناسبت هایی، دررابطه به دانشمندان پاکستان ویا آثار وتالیفات ایشان..

با آن که در باره خلیلی تحقیقاتی صورت گرفته وآثار نظم ونثر استاد تقریبا همه چاپ گردیده است ، اما مواد نشر شده در«کوی خلیل» ،کاملا جدید است .اینجا نکاتی گرد آمده است که درسایر اثار استاد خلیلی نیامده است. ازورای این یاد داشتها ، زوایای پنهان شخصیت خلیلی وبرخی ازمسایلی که در روزگار آوارگی او مطرح بوده است؛ بخوبی هویدا می گردد و نکاتی را برشناخت ما ،درابعاد شخصیت خلیلی می افزاید:

۱- درد غربت: ازنامه ها ویاد داشتهای خلیلی، هویدا می گردد که خلیلی در روزگار آوارگی و زیست در پاکستان ، ازدرد غربت و دوری ازوطن همیشه به نالش بوده است ، تاجایی که درياد داشتهایش به وضاحت تبارزیافته است.

خلیلی کتاب « یار آشنا» را درسال ۱۹۸۲ درپاکستان چاپ می نماید و نسخه یی از آن را به شرافت نوشاهی نویسنده ومحقق پاکستان می فرستد و درآن چنین می نویسد:

«خدمت ذی سعادت حضرت عارف بزرگوار سید شرافت نوشاهی به التماس دعا برای وطن به خون آغشته ام» (درکوی خلیل ص ۲۵).

زمانی هم که کتابهای « تبیه الغافلین » و منظومه « محراب محبت و سکهٔ عشق» را دریافت می کند به دکتور سید محمد اکرم اکرام ، نامه امتنائیه می نویسد و آنرا چنین ختم می کند: « دوست شما آوارهٔ بی وطن خلیلی» ۲قوس ۱۳۶۱ (یار آشنا ،ص ۱۲).

این احساس دراشعار و سروده های خلیلی نیز درآن روزگار کاملا محسوس است:

چون به غربت خواهد ازمن پیک جانان نقدجان
جا دهیدم در کنار تربت آوارگان
گور من در پهلوی آوارگان خوشتر بود
بیکسم، آواره ام، بی میهنم، بی خانمان

(دیوان خلیلی چاپ تهران)

درحالی که همزمان با خلیلی بودند فرهنگیانی که به فکر منفعت خویش ویا سفر به دنیا های دیگر بودند.

۲- تحقیق ونگارش وآفرینش: خلیلی وقتی به پاکستان آمد سنش از هفتاد بالا بود. درچنین سن وسالی اغلب مردم به رکود مواجه می شوند وگوشه امن می جویند. اما توجه به آثار خلیلی و تورق کتاب نوشاهی نشان می دهد که برعکس خلیلی در این دوران بسیار پر انرژی وسرحال است . گوشه امن امریکا را (که بهشت امن و اوج خیالات وآمال شماری از روشنفکرنمایان است) رها می کند وخود را درمتن حادثه می اندازد.. درکنار آوارگان می آید و شب وروز می نویسد و می سراید، تا همه نگفته هایش را گفته آید . اضافه از ۳۰ اثر را خلیلی درپاکستان افریده است. وبرخی ازآنها محفوظات ومشاهدات ۴۰ تا ۶۰ سال قبل اوست که نتوانسته بود بروز دهد واکنون زمان بیانش رسیده بود: «نخستین تجاوز شوروی به افغانستان»، « عیاری ازخراسان» ،« یار آشنا» و فراوان نوشته های دیگر در بیان عظمت وشکوه تاریخ و مبارزات مردم افغانستان، از آن شمار است..

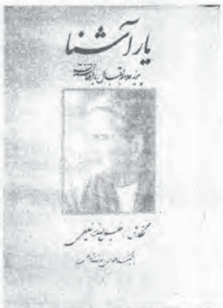
خاطرات نوشاهی

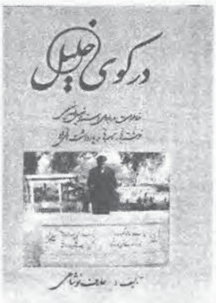
درکتاب کوی خلیل، نشان می دهد که خلیلی تا اخرین لحظات عمر مصروف تحقیق ونگارش بوده است. نوشاهی می گوید: خلیلی برای ادامه تحقیق همیشه کتاب به امانت می گرفت. چنانچه ۳ بار تاریخ حسن ابدال تالیف منظور الحق صدیقی را امانت گرفت و دوبار کتاب تذکرهٔ عامره تالیف میرغلام علی آزاد بلگرامی ویک بار، شریف التواریخ سید شریف احمد شرافت نوشاهی را (درکوی خلیل ، ص ۴۱)

ادامه دارد

استاد خلیلی
به روایت «نوشاهی»
دانشمند پاکستان، در تاجیکستان

دکتور شمس الحق آریانفر





به مناسبت پنجمین سال وفات اکادمیسین پوهاند عبدالشکور رشاد

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

پنج سال قبل از وفات شخصیت علمی و فرهنگی کشور ما، پوهاند عبدالشکور رشاد می گذرد. وزارت تحصیلات عالی به مناسبت در گذشت این شخصیت علمی و فرهنگی کشور سیمنار دو روزه یی را به روز های ۱۶–_ ۱۷ اسد سال جاری در مقر این وزارت به کمک پوهنتون های کابل، ننگرهار و کندهار به راه انداخت. در این سیمنار پهلو های مختلف حیات ادبی، علمی و فرهنگی موصوف از سوی دانشمندان کشور به بررسی گرفته شد. در این سیمنار از پوهنتون های مرکز و ولایات کشور یک تعداد دانشمندان، نویسنده گان و فرهنگیان کشور حضور به هم رسانیده بودند و در زمینه های مختلف فعالیت های علمی موصوف تحقیقات با ارزشی را ارائه داشتند. در پیام حامد کرزی ریس جمهور کشور آمده است که پوهاند رشاد یک شخصیت علمی و فرهنگی کشور بوده و به اساس همین روحیه، بلند ترین لقب علمی؛ یعنی اکادمیسین از سوی حکومت وقت به وی داده شده است. اکادیسین پوهاند رشاد در سال ۱۳۰۰ هجری در ولایت کندهار زاده شد و در سال ۱۳۸۳ در شهر کابل به حق پیوست و در محوطه پوهنتون کندهار به خاک سپرده شد. از پوهاند رشاد در حدود ۵۹ اثر علمی و صد ها مقاله در زمینه های مختلف علوم انسانی، ادبی، فرهنگی،زبانشناسی و .. باقی مانده است که گنجینه بزرگ ادبی و فرهنگی کشور محسوب می شود. تعدادی از آثار و تحقیقات پوهاند رشاد تا هنوز مجال چاپ نیافته است، امید است روزی این همه دست آورد های علمی و ادبی موصوف چاپ و در اختیار اهل کتاب قرار گیرد. توصیه پایانی کار این سیمنار برین بود تا همه آثار پوهاند رشاد چاپ و در اختیار پوهنتون ها و موسسات علمی و فرهنگی قرار گیرد، تا از این آثار استفاده علمی صورت گیرد. به همین گونه اصرار سیمنار به این بود، افزون بر چاپ این آثار باید از طریق انترنت این آثار پخش و نشر گردد،تا تعداد بیشتری از علاقمندان بدان دسترسی پیدا کنند. به همین گونه مشمولان سیمنار به این اتفاق رسیدند که به مشوره استادان پوهنتون ها، برخی از این آثار باید در اختیار پوهنتون ها قرار گیرد، تا استادان از آن استفاده نمایند و در پوهنتون ها تدریس گردد. آثار و تراویده های فکری پوهاند رشاد می تواند به مثابه منابع و سرچشمه های علوم مورد بحث قرار گیرد. پوهاند رشاد سالهای زیادی را در فاکولته زبان و ادبیات و در دیپارتمنت پشتو، به مثابه استاد در خدمت نسل جوان کشور قرار داشت و متون نظم، عروض و فقه اللغه زبان پشتو را تدریس می نمود. به همت و تلاش وی در سال ۱۳۶۵ طرح و تدوین برنامه ماستری در دیپارتمنت پشتو گذاشته شد و در این دیپارتمنت در برنامه ماستری به تدریس متون قدیم پشتو پرداخت. جای این استاد اکنون در این دیپارتمنت خالی می باشد. استاد رشاد سالهای پایانی عمر خود را در اکادیمی علوم افغانستان سپری کرد و همواره محققان نسل جدید را مورد مشوره های علمی خویش قرار می داد، باید گفت که پوهاند رشاد یکی از چهره های علمی و سرشناس کشور بوده و از گنجینه های معنوی کشور محسوب می شود. پوهاند رشاد افزون بر کار تحقیق و تالیف در زمینه های تاریخ، فرهنگ و جغرافیای کشور از نخستین استادان دانشگاه کابل است که سنگ بنای نخستین تدریس را یکجا با استادان دیگر؛ چون: عبدالحی حبیبی، عبدالحق بیتاب، غلام حسن مجددی، استاد خلیل الله خلیلی و سائرین اساس گذاشت، به همین گونه پوهاند رشاد بدو زبان دری و پشتو شعر سروده است و مقالات وی نیز به این دو زبان رسمی کشور به چاپ رسیده است. اشعار وی مملو از حکمت، پند، موعظه و اندرز های اخلاقی است که در این رباعی به زبان پشتو چنین آمده است:

د مجنون ژوندون به څه وی، چی لیلا مری
څه په کار دی تش کالبوت چی زړه د چامری
زړه دیوه ده دا دختو په قالب
خدای ومه کړه چی به دا دیوه دچامری

په ننګرهار کې د ټاکنو بهیر ته یوه کتنه

او ددې ولایت د عالمانو سمه پریکړه

ن شفیق

د ننګرهار ولایت چې په ولسي جرګه کې پنځلس څوکۍ لري او تیر ځل یې پدغه مقننه ارګان کې یوولس نارینه او څلوربنځینه استازي درلودل ، داځل دغه سهمیې ته (۱۶۰) نوماندان سیالي کوي چې پکې خپلواك او ګوندي کاندیدان دواړه شتون لري خو داځل ټاکنې د تیرو ټاکنو په پرتله ځینې ځانګړتیاوې لري چې له هغو څخه یوه داده چې پدې ځل ټاکنو کې نږدې ټولو نوماندانو ځانونه خپلواك او مستقل ښودلي دي ، پداسې حال کې چې ځینو مشهورو ګوندي څیرو هم خپل ځانونه خپلواك څرګند کړي دي چې دا کار پدې حقیقت دلالت کوي چې زمونږ په هیواد کې ګوندونو ځانونه ته ولسي ملاتړ پیدا نکړای شو او یا کم تر کمه ولسونه یې په هکله ښه انګیرنه نلري چې په ولسواکو نظامونو کې دغه کار وروسته په پارلماني پریکړو کې مشکل رامینځته کوي: ځکه هر کله چې په یو پارلمان کې اکثریت لرونکی ګوند موجود نه اوسي د پریکړو په هکله پارلمان غوڅ تصامیم او دریځونه نشي نیولای او دا ددې لامل ګرځي چې یو پارلمان خپله پارلماني موده لاپوره کولو د مخه رنګ شي خو زمونږ د هیواد د اساسي قانون یو ښه والی دا دی چې ولسمشر پارلمان نشي رنګولای او نه پارلمان ولسمشر له واك څخه ګوښه کولای شي . همدارنګه پدې ولایت کې د دا ځل پارلماني ټاکنو بله ځانګړتیا داده چې د تیرو ټاکنو په پرتله پکې ټاکنیزې سیالۍ ډیرې زیاتې ګرمې دي او دیو شمیر نوماندانو لخوا په لکونو ډالرونه لګښت کولو سره که د جلال آباد د ښار او ولسوالیو بازارونو او څلور لارو د نوماندانو په ډیرو غټو او اوږدو عکسونو ښکلا پیدا کړیده (چې د مثال په توګه د ښار دننه د سرکونو مینځ کې په هره برقی پایه د لسو په شاوخوا کې او په ځینو کې له دې هم زیات له یو متر څخه اوږده عکسونه هم را زوړند کړاې شوي دي) دغه کار د ټاکنو بې پرې والي او شفافیت هم له سوال سره مخ کوي: ځکه هغوې چې په لکونو ډالر یوازې په خپلو پوسترونو او عکسونو لګوي نو که په ولس کې محبوبیت هم ونلري کولاې شي همدومره ګزاف مبالغ د درغلیو او ټاکنو د نتیجو د بدلولو لپاره وکاروي او که داسې وشي نو ورسره به د ولایتي او ولسمشرۍ د تیرو ټاکنو د بدنامۍ په نتیجه کې د څو برابره زیاتو بدنامیو او ګواښونو لړۍ دوام وکړي او د موجوده نظام مشروعیت به دیو طوفاني حرکت او ملي مقاومت په مټ له مینځه یوسي او دغه موجوده نسبي نظام په تالاترغۍ کړي چې پدې هکله د شفافیت تضمین لومړی د حکومت او بیا د نړیوالې ټولنې پر غاړه دی: ځکه که دا ځل هم ټاکنې د زر او زور د خاوندانو د هیلو هنداره شوې پرځاې ددې چې د ولس د ارادې هنداره شي نو د ولسواکۍ جنازه د کلونو کلونو لپاره زمونږ له هیواد څخه پورته کیږي او پدې هیواد کې بیا د ولسواکۍ خبري خندا او ډرامه و ګنئ.

> **د عالمانو شورا په خپل سیاسي بصیرت سره په خپله یوه وروستۍ غونډه کې ننګرهار له ولسونه څخه وغوښتل چې په ټاکنو کې په پوره د متانت او همت سره برخه واخلي**

همدارنګه پدې ټاکنو کې د دومره ګزافو لګښتونو مخنیوی نه کول او د قانون لاندې نه راوستل چې آخر له دوې څخه پوښتنه هم نه کیږي چې دومره مبالغ یې له کومه کړیدي چې ددې نوماندانو پخوانۍ دندې او اقتصادي حالت خو ددې سره هیڅ اړخ نه لګوي ، او بیا په داسې موسم کې دا ډول بیدریغه مصارف چې زمونږ د په سلګونو هیوادوالو کورونه په همدې ولایت کې سیلابونو یوړل او هم یې فصلونه تلف شو او ددې بدایو او ګزافو لګښتونو کوونکو نوماندانو لخوا ورسره هیڅ ونشو، دا کار په ولس کې په ټاکنو کې په برخه اخستلو کې د خلکو سلنه (فیصدي) راښکته کوي . کوم کار چې ددې هیواد د ګاونډیو او هیواد دښمنه کړیو اراده ده څو خلك په ټاکنو کې په برخه نه اخستلو سره په موجوده نظام بې باوري وښایې او دګاونډیانو د شومو ارادو د تحقق په لار کې یو مؤثر قوم وګڼل شي او پدې ترتیب ناامنۍ او بې نظمۍ زیاتې شي .

خو له نیکه مرغه چې ددې ولایت د عالمانو شورا په خپل سیاسي بصیرت سره په خپله یوه وروستۍ غونډه کې ننګرهار له ولسونو څخه وغوښتل چې په ټاکنو کې په پوره دمتانت او همت سره برخه واخلي او په خپل ګډون سره د هغو نوماندانو پلویتوب وکړي چې د اسلام ،هیواد او ولس خوا خوږي دي او هم د مخالفینو سره د سولې کولو لپاره کوښښونه وکړي څو سوله په هیواد کې د نا امنۍ او هغې اړې ګړې مخه ونیسي چې هدف یې د عامو خلکو ژوند ته زیان رسول او پدې هیواد کې بې ثباتي را پیداکول دي : ځکه زمونږ دښمنان نه غواړي چې په افغانستان کې امنیت او سوله راشي او د افغانستان خلك د سوکاله ژوند خاوندان شي.

نو باید چې د ننګرهار متدین خلك د سولې لیار ونیسي او هم په انتخاباتو کې د ګډون له لیارې د هغو خلکو ارادې شنډې کړي چې د افغانستان د خلکو لپاره خیرنه غواړي . که د علماؤ دې هڅونې او پریکړې ته وکتلاې شي نو دا په ریښتیا هم یو ښه دریځ دی ، ځکه که متدین او اسلامپال وګړي له ټاکنو څخه په شا شي نو ښکاره دهٔ چې ټاکنې خو ترسره کیږي او په نتیجه کې په هماغه خلك د ټاکنو ګټونکي شي چې له پردیو سیاسي کړملو او د مخدره موادو نړیوالو قاچاقچیانو سره لاره لري او څوك چې ښه خلك دې هغوي به پارلمان ته لیار ونه مومي نو باید که څوك د دین د سرلوړۍ او هیواد د خواخوږۍ او د ولس د سوکالۍ ادعاء لري ، خپل ولسونه دې ته وهڅوي چې د نیکو او ښو نوماندانو څخه ملاتړ وکړي او له ټاکنو څخه په شاکیدو سره داسې زمینه برابره نکړي چې د بدو خلکو ملاتړ انسانان رایې ورکړي او ښه خلك له ننګې او ملاتړ څخه بې برخې پاتې شي. چې که بیا هر څومره ددې پارلمان مخالفت هم وکړو نو وخت به را څخه تیروي ځکه هماغه به پر مونږ حساب وي او استازي به مو وي چې خلکو ورته رایې ورکړې وي.

کار زار انتخابات پارلمانی در بدخشان گرم تر شده است

رامش زیباکی

مبارزات انتخاباتی میان نامزدان مجلس نمایندگان درولایت بدخشان، با گذشت هر روز گرم تر می شود و تصاویر و شعارهای نامزدان به صورت های مختلف در و دیوار شهرها و روستاهای این ولایت را فراگرفته است. علی رغم چالش های که وجود دارد نامزدان و نهادهای دخیل در مسایل انتخابات از وضعیت ابراز رضایت می کنند.

انجنیر فرید احمد مسوول بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه یا فیفا در بدخشان می گوید، علی الرغم بعضی چالش هایی که در برابر انتخاباتی پارلمانی در بدخشان وجود دارد، ولی تاکنون روند مبارزات انتخاباتی به صورت عادی ادامه دارد و به گفته آقای فرید، سطح آگاهی مردم بدخشان راجع به انتخابات بالا رفته است. اما آقای فرید تاکید می کند که تهدیدات امنیتی علیه زنان و تبلیغات سوء در برخی از ولسوالی های بدخشان یکی از نگرانی های جدی در برابر انتخابات پارلمانی در این ولایت است.

داکتر ملیحه عزیز یکی از نامزدان زن در بدخشان که بیشتر در مناطق روستایی این ولایت به مبارزات انتخاباتی اش ادامه می دهد، از برخورد مردم و رعایت اصول و ارزش های انتخاباتی خوشحال است، خانم عزیز می گوید که او به عنوان یک زن مشکلی ندارد و می تواند آزادانه کمپاین کند.

در مجموع در بدخشان مبارزات انتخاباتی به صورت نورمال پیش می رود وضع امنیتی در این ولایت پس از یک دوره نا امنی دوباره به حالت عادی بازگشته و جنرال سید حسین صفوی آمر امنیت فرماندهی پولیس بدخشان می گویدکه امنیت در سراسر بدخشان تامین است. به گفته این مقام ارشد پولیس بدخشان نامزدان می توانند به سراسر بدخشان برای تشریح برنامه های انتخاباتی شان سفر کنند.

یک تفاوت عمده یی که در میان مردم بدخشان نسبت به سال های گذشته دیده می شود این است که بسیاری از شهروندان بدخشان بر این باورند که امسال باید نخبه های بدخشان به مجلس راه بیابند و مردم باید به این افراد رای اعتماد بدهند.

سمیع الله یکی از شهروندان بدخشان می گوید:"ما باید به کسی رای بدهیم که زبان دفاع از حقوق ما را داشته باشد و در مجلسی که نخبه های ۳۴ ولایت افغانستان جمع می شوند، بتواند مدافع حقوق ما مردم دور افتاده باشد".

از سوی دیگر انگیزهٔ شرکت در انتخابات در میان مردم بدخشان بالاست و این امیدواری وجود دارد که میزان شرکت مردم در انتخابات امسال نسبت به سال های گذشته بالاتر باشد.

در بدخشان تنها مشکلی که بسیار جدی به نظر می رسد مساله لوژستیکی و اکمالاتی مناطق کوهستانی و دشوار گذر این ولایت است که مسوولان دفتر فیفا نیز ازاین ناحیه نگران هستند.

اما تلاش ها برای برگزاری انتخابات سالم در بدخشان جریان دارد، چندی قبل فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان به بدخشان سفر کرده بود و در نشستی با مقامات این ولایت خواستاری تلاش به منظور برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه در این ولایت شده بود، مسوولان محلی بدخشان در پاسخ به خواست های رئیس کمیسیون مستقل انتخابات وعده داده بودند که از هیچ نوع تلاشی در راستای برگزاری یک انتخابات سالم دریغ نمی کنند.

در بدخشان برای احراز نه کرسی مجلس نمایندگان ۹۴ نفر خود را نامزد کرده اند که در میان آنان حضورجوانان پر رنگ تراست و مبارزات انتخاباتی میان این نامزدان به صورت جدی ادامه دارد.

رمضان

فرصتی برای تغییر و اصلاح

سید ناصر تقدسی



در روزگار کنونی، امت اسلامی به ویژه ملت مسلمان افغانستان در حال گذار از حساس ترین مرحله از تاریخ خود است؛ به گونه یی که در سطح افغانستان در تمام عرصه ها برای بدروزی و تباهی مردم ما زمینه سازی صورت می گیرد وتخم نفاق، اختلاف، جنگ و فقر در هر وجبی از این سرزمین کاشته می شود.

و اما در سطح امت نیز وضعیت مسلمانان بهتر از این نیست و دشمنان همه با یک دست و یک صدا از هیچ اقدامی بر ضد اسلام دریغ نمی ورزند و از صرف هیچ ثروتی برای سرکوب مسلمانان دست نمی گیرند. پس نتیجه یی که از این همه دسیسه ها نصیب بشریت شده است در چند نکته خلاصه می شود:

- بحران اقتصادی جهانی که همه جا را فرا گرفته و در کل بشریت مظلوم را در آتش خود فرو برده است. هنوز معلوم نیست در صورتی که دیون امریکا و سایر غول های سرمایه داری به بالا ترین مرز خود برسد و دولت ها افلاس نهایی خود را اعلام نمایند چنان که صدها بانک در سال های پسین افلاس خود را اعلان کردند، سرنوشت انسان به کجا منتهی خواهد شد؟!

- نا امیدی کشنده یی که هیچ بارقۀ امیدی را در عرصۀ اصلاحات به همراه ندارد و سایۀ شوم آن بر سرِ حکام کشورهای اسلامی چنان سنگینی کرده است که هر فرمان نا منصفانۀ قدرت های منطقه و جهان را با کمال ذلت و زبونی می پذیرند و مزید بر آن، حق مشروع زندگی، آزادی و پایداری را نیز از ملت های خویش سلب کرده اند.

- فروپاشی کاخ بلند اخلاق و از میان رفتن ارزش های انسانی و الگوهای برتر.

- از بین رفتن امنیت و ثبات در همۀ دنیا.

- شقاوت و بدبختی که به گونۀ کامل به بن بست رسیده و از بازیابی عوامل و اسباب آن، بشر ناتوان شده است، اما خدایی که مالک زمین و آسمان است عوامل این سیاه روزی را دوری انسان ها از یاد خدا می داند:

ترجمه "و هرکه از یاد من روی بگرداند، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت؛ و روز رستاخیز او را نابینا حشر می کنیم. خواهد گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا برانگیخته‌یی؟ من که قبل بر این، بینا بودم. خدا می‌گوید: همین است؛ آیات من به تو رسید و تو آنها را نادیده گرفتی؛ همان گونه هم تو امروز نادیده گرفته می‌شوی".

آنچه را کوتاه یادآور شدیم، بخش بسیار کوچکی از هزارها مشکل و دشواریی است که دامن بشریت امروز را به سختی گرفته و همه را وا داشته است تا به جستجوی نیروی رهایی بخش بر آیند؛ نیرویی که آنان را از تاریکی به سوی نور هدایت کند. این نیروی نجات بخش، با آن که در جلو چشم این مصیبت زدگان قرار دارد اما از درک آن عاجز اند!

این نیرو، اسلام است؛ دین رحمت، عدالت، برابری و آزادی.. دین ارزش ها و فضایل انسانی.

این نیرو، قرآن کریم است؛ رسالت همیشه جاوید الهی که همواره باقی خواهد بود و خللی در آن راه نخواهد یافت.

این دین برای بهتر زیستن و با فضیلت بودن، برنامه ها و آموزه های بی شماری دارد که بدون تردید با کاربستن آنها راه رهایی امروز بشر نمایان خواهد شد. یکی از این برنامه ها روزۀ ماه مبارک رمضان است.

- روند اصلاح، از نفس آغاز می شود؛ و اصلاح مورد نظر ما، یک آرزوی غیر قابل دسترس نیست که تحقق آن از حوزۀ صلاحیت بشری ما بیرون باشد، بل این هدف با اصلاح نفس های ما متحقق می شود. بدون شک زمانی که زمام نفس های خود را به دست بگیریم و آنها را به سوی رضای خدا هدایت کنیم، اصلاح و پاکیزه می شوند و با اصلاح شدن نفس های مان خداوند متعال در تمام زوایا و ابعاد زندگی ما تحول می آورد و دروازه های خوشبختی را به روی مان می گشاید، چنان که در سورۀ رعد می فرماید:

ترجمه "خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملّتی را تغییر نمی‌دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از ذلّت به عزّت، از نوکری به سروری و . . . و بالعکس نمی‌کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند".

بنا بر این وجیبۀ هر فرد مسلمان است که پس از شناخت آفریدگار خود، به اصلاح نفس خود بپردازد و دیگران را نیز به این کار نیکو فرا بخواند. ماه مبارک رمضان که از نسیم خوش آن هنوز یک هفته سپری نشده است، تمام معانی تغییر و مفاهیم اصلاح را در خود دارد و تمام اصول و هنجارهای خود سازی و اصلاح را از تطهیر نفس گرفته تا رسیدن به بلند ترین مرتبت تزکیه، در اختیار مسلمانان قرار داده است؛ و بی گمان رعایت این اصول در خصوص خود سازی، دریچه های سعادت را، طبق وعدۀ خداوند به روی انسان می گشاید:

ترجمه "(قسم به همه اینها!) کسیْ رستگار و کامیاب می‌گردد که نفس خویش را (با انجام طاعات و عبادات، و ترک معاصی و منهیّات) پاکیزه دارد و بپیراید. و کسی نااميد و ناکام می‌گردد که نفس خویش (و فضایل و مزایای انسانیّت خود را در میان کفر و شرک و معصیت) پنهان بدارد و بپوشاند، و (به معاصی) بیالاید".

آری؛ رمضان ماه روزه، ماه قرآن، ماه شب زنده داری و ماه شکیبایی است. . چنان که این ماه از بزرگ ترین مواسم طاعات نیز هست؛ شماری از عبادت هاست که تنها ویژۀ این ماه با برکت است و در ماه های دیگر به انجام آن مامور نیستیم، پس چنین امری می تواند زینت افزای روزها، شب ها و ساعات این ماه باشد. طاعت خدا در هر وقتی شیرین و دوست داشتنی است، اما در این ماه شیرین تر و دوست داشتنی تر می شود و ثواب آن را خداوند متعال چند برابر به بنده اش عنایت می فرماید.

- رمضان برای مسلمان آزادی می آورد؛ خدای عزیز روزه را فرض گردانده است تا انسان را از بند غرایز مختلف و از زندان جسد رهایی بخشد و او را در گیر و دار خیر و شر، در برابر انگیزه های شهوانیش پیروز بسازد و رویهمرفته به آدمی این امکان را دهد که با مهار کردن زمام نفس سرکش، همسان فرشتگان الهی گردد. از این رو، شگفت نخواهد بود که روح مسلمان روزه دار، به آسمان ها عروج نموده و به ملأ اعلی نزدیک می شود و شخص روزه دار با دعای خالصانۀ خویش، دروازه های آسمان را می زند و آن دروازه ها به رویش باز کرده می شوند و از پروردگارش هر چیزی که می طلبد او برایش ارزانی می فرماید؛ این حالت مصداق این فرمایش الهی را در ذهن آدمی تداعی می کند:

ترجمه "و هنگامی که بندگانم از تو دربارۀ من بپرسند (که من نزدیکم یا دور؟ بگو:) من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم). پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند)".

- روزه پاک کنندۀ انسان از گناهان است؛ مسلمانی که در رمضان فقط به خاطر رضای الهی از خوردن و نوشیدن پرهیز می کند در واقع به گفتۀ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از لوث معاصی پاکیزه شده است:

ترجمه "کسی که رمضان از روی ایمان و کسب ثواب روزه می گیرد، گناهان گذشته اش بخشوده می شود".

و هنگامی که انسان از آلودگی گناه رهایی می یابد، تمام دعا ها و خواسته هایش مورد اجابت خداوند قرار می گیرد.

- روزه باعث اصلاح اخلاق و تعالی معنویت انسان می شود؛ روزه نفس روزه دار را تزکیه و اخلاقش را بلندی و پاکیزگی می بخشد، زیرا از مستلزمات روزه این است که روزه دار همان گونه که از خوردن و نوشیدن و سایر شکننده های روزه اجتناب می کند، از گفتار و کردار زشت نیز باید بپرهیزد و اگر با جنگ و دشنامی رو به رو می شود واکنش همانند از خود بروز ندهد بلکه با کمال آرامی و متانت از ارزش های روزه یاد آور شود و از محل نزاع روی برتابد، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

ترجمه "هرگاه یکی از شما روزه دار بود، دشنام ندهد و بر کسی فریاد نزند، اگر کسی او را دشنام داد یا با او وارد جنگ شد، باید بگوید که من روزه دار هستم".

همچنان روزه به ترک زورگویی و شهادت نا حق فرا خوانده و از روزه دار می طلبد که با هیچ ظلم و ستمی همدست نشود و در برابر هر گونه خلاف رفتاری و عمل منافی اخلاق مردانه بایستد و تسلیم زر و زور نشود. با توجه به همین امر است که در فرهنگ دینی ما، روزه یی که آثار مثبت از خود بر جای نگذارد و در وجود صاحبش تحول ایجاد نکند، بر مبنای روایتی از پیامبر چنین روزه یی، بی مفهوم و فاقد ارزش تلقی شده است:

ترجمه "کسی که زورگویی و عمل به آن را ترک نکند، خداوند نیازی ندارد که او (به نام روزه) خوردنی و نوشیدنی خود را ترک نماید".

- رمضان ماه قرآن است؛ قرآنکریم واپسین کتاب الهی در همین ماه مبارک فرود آمده است، تا مردم را از تاریکی ها به جانب روشنایی و راه راست هدایت نماید و برنامۀ کامل و دایمی را در اختیار آنان قرار دهد که با تطبیق آن در تمام جوانب زندگی خویش به سعادت و بهروزی نایل آیند.

در رمضان، عمدتاً مسلمانان چه در مساجد و چه در خانه های خویش، به تلاوت قرآن و ترتیل آن رو می آورند و همچنان آموختن و آموختاندن این کتاب الهی را جزء برنامه های روزانۀ خویش قرار می دهند؛ از همین جاست که نفوس آنان در این ماه، پالایش و اخلاق شان مهذب می شود و قرآن سرمشق زندگی شان قرار می گیرد.

و سرانجام، رمضان ماه شب زنده داری است؛ این شب زنده داری با ادای تراویح، تهجد، ختم قرآنکریم و دعا و نیایش به بارگاه الهی انجام می شود. شب زنده داری در این ماه بزرگ، از فضیلت عظیمی برخوردار است که جز نمازهای فرضی عبادت دیگری جای آن را پر نمی کند؛ از حضرت رسول خدا پرسیده شد که:

ترجمه "کدام نماز پس از نماز فرض با فضیلت تر است؟ و کدام روزه بعد از رمضان با فضیلت تر است؟ او صلی الله علیه و سلم فرمود: بهترین نماز بعد از نماز فرض، همان است که در دل شب خوانده می شود و بهترین روزه پس از ماه رمضان روزۀ ماه خدا محرم است".

آنچه گفته آمد فشرده یی از فلسفۀ روزه در اسلام بود؛ خداوند روزۀ این ماه را نه برای تعذیب انسان که برای بیداری روح، اصلاح جوارح و تقویت ارادۀ آدمی مشروع کرده است. روزه فرض شده تا به وسیلۀ آن به صبر خو بگیریم، نعمت های الهی را بشناسیم، مشاعر مهرورزانۀ ما تربیت شود و آداب تسلیم شدن در برابر آفریدگار هستی را یاد بگیریم.

خداوند اعمال نیک همۀ ما را بپذیرد!

پی آمد خشونت ها ...

شکایت دارند و میزان تهدید های امنیتی با گذشت هر روز رو به افزایش است.

به اساس گزارش ها، در نتیجهٔ فعالیت های تروریستی و گروه های اختطاف گر، میزان فعالیت های بازرگانی، فعالیت های کشاورزی، بازسازی و روند آموزش و پرورش با کندی رو به رو شده است.

کارشناسان می گویند که جنوب افغانستان منطقهٔ استراتیژیک است و نا امنی در این ولایات میّ تواند تأثیرات بد بالای وضعیت امنیتی سایر مناطق داشته باشد.

نورالحق علومی کارشناس مسایل نظامی، درپاسخ به سوالی که اوضاع امنیتی در قندهار ولایات جنوب چگونه است؟گفت: در مجموع اوضاع امنیتی در ولایات جنوبی خوب نیست و آن طور که مردم نیاز دارند، امنیت برقرار نمی باشد. تقاضای مردم در جنوب از دولت این است که امنیت این مناطق را در آستانهٔ برگزاری انتخابات تأمین کند.

علومی، حکومت محلی را در جنوب کشور ضعیف و ناتوان خواند و افزود که نهادهای حکومتی در مجموع توان برقراری امنیت مناطق جنوبی کشور را ندارند.

آقای علومی، از موجودیت باندهای مافیایی در جنوب کشور خبر داد و پیوند آنها را با جنگ، یک رابطهٔ ارگانیک توصیف نمود.

نمایندهٔ مردم قندهار در دور نخست شورای ملی افزود، تا زمانی که یک ارادهٔ قوی و هماهنگ بین قوت های ائتلاف و دولت افغانستان به وجود نیاید و تروریزم را فرا منطقه یی دنبال نکنند، جنگ و خشونت نه تنها در جنوب، بلکه سراسری شده دامنه هایی آن کل منطقه و حتی جهان را در بر خواهد گرفت.

در همین حال محمد یونس فکور کارشناس مسایل سیاسی و نظامی در اظهارات مشابهی به این باور است که مجموعه عواملی مانند: ضعف ادارات دولتی، موجودیت رشوت و فساد حاکم در نهادهای دولتی، عدم هماهنگی میان نیروهای داخلی و بین المللی منجر به بروز مشکلات در جنوب شده است.

آقای فکور مداخلات استخبارات خارجی را عامل دیگری از نارسایی های موجود در آن جا عنوان نمود.

به باور آقای فکور، مخالفین از این وضعیت به نفع خود استفاده کرده و از همین سبب میزان خشونت ها نیز افزایش یافته است.

نگرانی های نخبگان سیاسی و نظامی در حالی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تازه ترین گزارش خود گفته است طی هفت ماه گذشته یک هزار و سه صد و بیست و پنج فرد ملکی در سراسر افغانستان کشته شده اند. دراین گزارش گفته شده است که از میان کشته شدگان ۸۹۵ تن افراد ملکی اند که در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی داخلی و بین المللی جان های خود را از دست داده اند.

درهمین حال گزارش های وجود دارد که روند ترور بزرگان قومی و متنفذین محلی در مناطق جنوب افغانستان افزایش یافته است. به اساس گزاش ها، از سال ۲۰۰۲ میلادی تا اکنون ۵۲۰ تن از بزرگان قومی در ولایات قندهار، زابل، هلمند و ارزگان کشته شده اند. در عین حال شورای ولایتی قندهار، به تازگی گفته است که تهدید ها از سوی طالبان برای برخی از بزرگان قومی در این ولایت فرستاده شده است.

در این پیام ها از بزرگان قومی خواسته شده است که از افغانستان بیرون شوند در غیر آن کشته خواهند شد.

رییس شورای ولایتی قندهار گفته است که بزرگان قومی باید متوجه باشند که دولت به تنهایی نمی تواند، امنیت آنان را تأمین کند. طالبان گفته اند، کشتن بزرگان قومی در افغانستان که با دولت همکاری دارند، یکی از راهبرد های جنگ آن ها به شمار می رود.

فرخنده و پاینده باد استقلال!

ادامهٔ سرمقاله

پیامد های آن اطلاع و آگاهی درستی ندارند:

۱ـ اکثریت قریب به اتفاق این تحصیل یافته ها گمان دارند که نیاکان ما با زور شمشیر انگلیسها را از خاک خود بیرون رانده و استقلال را بدست آوردند.

سال گذشته یک تن از مقامات بالا در درجهٔ دکتور را در یکی از نشست های رسانه ای گفته بود: مردم ما عادت دارند که با دیدن هر کار خلاف، لعنت بر انگلیس می گویند، در حالی که نود سال قبل انگلیسها از افغانستان بیرون رانده شده اند!

در حالی که در زمان جنگ استقلال یک عسکر انگلیس هم در کشور حضور نداشت ولی کشور ما بر اساس معاهده گندمک، استقلال خود را از دست داده بود و مردم بخاطر استراد و حصول دوبارهٔ آن آمادهٔ جهاد شده بودند.

۲ـ گمان می کنند که پاد شاه وقت (امیر امان الله خان) استقلال را بدست آورده و همه افتخارات را به نام او ثبت می نمایند، در حالی که مردم، قبل از به پاد شاهی رسیدن امان الله خان برای جهاد آمادگی گرفته بودند و اولین پادشاه پس از امیر حبیب الله خان (سردار نصرالله خان) که نائب السلطنه و مستحق پاد شاهی بود، در جلال آباد با او لشکر ورعیت، بیعت کرده بودند و او عزم خویش را برای اعادهٔ استقلال بیان داشته بود و به حیث عنصر ضد انگلیس شناخته شده و معروف بود!

درست است که امیر امان الله خان استقلال طلب بود ولی کنار زدن عمو و رسیدن به پاد شاهی با این پیشینه ها، کار آسانی نبود و باید ادعای حصول استقلال در سرخط بر نامه های او می بود.

مؤرخین می نویسند که مردم در کابل به شرط جهاد با انگلیس با امان الله خان بیعت کرده بودند و در کنار آرزومندی شخص او، فشار و خواست ملت نیز او را مصمم تر ساخته بود.

۳ـ در مورد مدت و زمان جنگ و مناطق جنگی هم اطلاع درستی ندارند و گمان می شود که جنگ استقلال، سال ها ادامه داشته و در سرتاسر افغانستان علیه انگلیسها، جهاد مسلحانه صورت گرفته است!

چهارده سال جهاد مسلحانهٔ مردم ما در برابر تهاجم شوروی و سر تا سری بودن این جهاد که تمام ولایات، ولسوالی ها و حتی قریه ها د ودهکده ها افغانستان در این جهاد عظیم و شکوهمند سهیم بودند و در برابر شورویهای متجاوز سلاح بر داشته بودند و همچنین مودر حملات هوایی و زمینی روسها قرار داشتند، امروزی ها را به این گمان واداشته که جنگ استقلال نیز سالهای زیادی را در بر گرفته و در تمام مناطق افغانستان، مردم در برابر قشون انگلیس جنگیده اند!

حال آن که جنگ استقلال فقط در سه محاذ (مشرقی، جنوبی و کندهار) و در مناطق مرزی در نظر گرفته شده بود که از این سنگر ها به سوی هند برتانوی و مراکز قشون انگلیس حمله ور شوند و در داخل افغانستان جبهات جنگ وجود نداشت، زیرا طوری که گفته شد، قشون انگلیس اصلاً در کشور وجود و حضور نداشت.

در مورد زمان جنگ باید گفت که جنگ استقلال کمتر از یک ماه ادامه داشته (۲-۲۷ می ۱۹۱۹) و بعد به فرمان امیر امان الله خان، متارکه اعلان گردید.

٤ـ جای تأسف است که حتی اکثر تحصیل یافته ها نیز معاهدهٔ استقلال را نخوانده و از کل ما جرا، اطلاع و آگاهی درستی ندارند!

در معاهدهٔ راولپندی که به معاهدهٔ استقلال معروف است، هیچ صراحتی در مورد استقلال افغانستان دیده نمی شود و الفاظ و کلمات و عبارات آن کاملاً غیر متعارف و توهین آمیز است.

در این معاهده، صرف افغانی متهم به آغاز جنگ شده تمام رعایت ها و کمک های انگلیس به افغانستان و امیر آن که در گذشته صورت می گرفت، به خاطر اظهار رنجش انگلیس، قطع شده است و خط دیورند به حیث سرحد قبول و پذیرفته شده و ...!

بعد ها طی یک پیوست یا ضمیمه با این معاهده، توسط یک نامه از سوی وایسرا، استقلال کشور ما به رسمیت شناخته شده است!

باید حقایق و واقعیت های گذشته و حال را به مردم و جوانان و تحصیل یافته ها گفت، هر چند ظاهراً به ضرر ما باشد و اسناد معتبر تاریخ کشور ما باید در اختیار آنان قرار گیرد که تا حدودی قرار گرفته و ما زحمت آن را به خود نمی دهیم که به صورت دقیق آن را مطالعه، تحلیل و ارزیابی نماییم.

مردم ما در گذشته ها با استعمار جنگیده اند و از عقیده و توامیس و ارزشهای دینی و ملی خویش دفاع کرده اند، جنگ استقلال و چهارده سال جهاد در برابر رژیم های کودتایی و تهاجم شوروی از افتخارات بزرگ ما افغان هاست و جهان باید بداند و می داند که فکر اشغال افغانستان و باداری بر افغانها، یک فکر باطل است و نتیجهٔ ای جز شکست و شرمساری به دنبال ندارد.

افزایش قیمت ها و ...

وی افزود، نرخ موادی مانند: برنج، روغن، گاز نیز بالا رفته است که مسوولان امور باید به آن توجه کنند و نگذارند که سود جویان بیش از این جیب های مردم را خالی کنند.

عامل های اساسی برای افزایش نرخ ها در رمضان:

در این شکی نیست، افغانستان کشوری است که هر لحظه امکان آسیب پذیری آن، از هر ناحیه وجود دارد.کشوری که بحران های داخلی و منطقوی آن را احاطه نموده با کوچکترین عامل بیرونی و درونی، شهروندان آن، صدمه می بینند.

در بعد داخلی اگر بگوییم عامل های ذیل در افزایش نرخ ها در ماه مبارک رمضان نقش دارد:

تقاضا: داشتن دسترخوان رنگین در ماه مبارک رمضان برای شهروندان کشور که از امکانات خوب و یا هم نسبی بر خوردار هستند، یک حقیقت است. آنها می خواهند در هنگام شام (افطار) و سحری غذا های متنوع و لذیذ داشته باشند، این خواست مردم یعنی همان "تقاضا" که یک اصطلاحی علمی در اقتصاد است، در افزایش قیمت ها نقش اساسی دارد.

عدم کنترل نرخ ها: نبود برنامه برای کنترل نرخ ها از سوی دولت عرضه کنندگان را جرئت بخشیده تا مطابق میل و خواست شان مواد را بالای مردم به فروش برسانند و از این رهگذر سود زیادی را به کیسه خود وارد نمایند.

نبود فرهنگ مجازات: تاکنون هیچ به یاد نداریم که شهرداری کابل کسانی را به اتهام گران فروشی، بی کیفیت فروشی ... مجازات کرده باشد، تا عبرتی برای دیگران شود. وقتی به بازار کابل سر بزنید، هر مغازه دار و هر تاجر نرخ خود را دارد و همان گونه که دلش خواست می فروشد وکس نیست که از او بازخواست کند

بازار آزاد: دولت با قبول بازار آزاد، صلاحیت کنترل را در بازار از دست داده است.

سیاست بازار آزاد، برای تجار وسرمایه های کلان که در حقیقت همه چیز را در بازار رهبری و اداره می کنند، اجازه می دهد که بدون رقیب، آن طوری که دل شان خواست مردم و نرخ ها را به گروگان بگیرند.

سیلاب ها: سیلاب های اخیر در برخی مناطق کشور که منجر به بندش راه های مواصلاتی شده است نیز در افزایش نرخ ها در بازار های کشور نقش دارد.

این سیلاب ها بر علاوهٔ این که مردم را متضرر ساخته است، روند تورید وتردد مواد را در بازار های مرکزی به چالش مواجه ساخته است.

در بعد منطقه یی:

سیلاب ها در پاکستان: سیلاب های اخیر در پاکستان وخساره هایی که از این ناحیه، آن کشور را در حیطه خود گرفت، تأثیرات خود را بالای افغانستان نیز در پی داشت.

دراین شکی نیست که تجار افغانستانی، اکثریت مواد اولیه را از پاکستان تورید می کنند، افزایش تقاضا در آن کشور و بندش راه های وارداتی، طبیعتاً در بالا رفتن نرخ مواد اولیه در مارکیت کشور نقش دارد.

تحریم ها بالای ایران: تحریم هایی اخیر از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بالای ایران و افزایش احتمال حمله از سوی اسرائیل و امریکا بالای اقتصاد افغانستان نیز نقش دارد.

زیرا کشور، بخش قابل ملاحظهٔ مواد مورد نیاز خود را از ایران همسایهٔ غربی خود، وارد می کند که این گونه نوسانات می تواند در افزایش قیمت ها، رکود بازار و حتی تورم، نقش قابل ملاحظه یی داشته باشد.

آتش سوزی در روسیه: روسیه یکی از کشورهایی است که سالانه پنجاه تا شصت هزار تن گندم به افغانستان صادر می کند. در اثر تغییر جوی و افرازاتی که از ناحیهٔ کارخانه های اتمی آن کشور در این سال ها متوجه روسیه شده است، آن کشور به خشک سالی، وکمبود آب رو برو شده است. خشک سالی ها، سبب شده است که برخی از مناطق این کشور طعمهٔ آتش سوزی گردد.

حکومت روسیه در تازه ترین اقدامات خود، تصمیم گرفته است که دیگر به کشورهای بیرونی از جمله افغانستان گندم صادر نکند.

عدم صدور مواد خوراکه از سوی روسیه،آسیب دیگری را متوجه اقتصاد بازار در کشور نموده است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ هفدهم ۲۳ اسد ۱۳۸۹ ٤ رمضان المبارک ١٤٣١ – 14 Agu 2010

پی آمد خشونت ها در افغانستان

* اندیشه *

ولایات جنوب کشور از زمان آغاز جنگ بر ضد تروریزم در سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون همواره محل تنش و نا آرامی ها بوده است. این ولایات که هم مرز با کشور همسایه پاکستان است و طالبان در این مناطق از نفوذ بیشتر برخوردار هستند، از نه سال بدین سو هیچ روزی نیست که در آن جا، حوادث ناخوشایندی مانند: حملات انتحاری، بمبگذاری های کناره جاده یی ، ترور و اختطاف صورت نگیرد.

در ماه های گذشته نیز شاهد عملیات وکشتار هایی در این ولایات بودیم، قندهار و هلمند که زمانی پایگاه اصلی طالبان بود، امروز به میدان اصلی نبرد، میان دولت افغانستان، قوای ائتلاف وگروه های طالبان تبدیل شده است.

بزرگترین عملیات در ولسوالی های مارجه، موسی قلعه و نادعلی ولایت هلمند، به منظور تصفیه سازی از وجود گروه طالبان در این اواخر صورت گرفته است.

چندی پیش عملیات مشترک به رهبری قوای ائتلاف در همکاری نیروهای امنیتی افغانستان، در هلمند انجام شد، قرار بود که جهت پاک سازی طالبان، دامنه های آن در قندهار انجام شود.

اما از آن جایی که عملیات مشترک در هلمند نتایج قانع کننده در پی نداشت، برخی ها از جمله رئیس شورای ولایتی قندهار با راه اندازی علمیات در آن ولایت مخالفت نشان داد.

با وجود مخالفت ها در این روز ها خبرهای نا خوشی از درگیرها و جنگ های پراگنده از ولایات قندهار و هلمند شنیده می شود. درهمین حال خبرهای جنگ و در گیری های مسلحانه از ولایات شرقی نیز شنیده می شود.

جنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع در یک نشست خبری گفت که ارتش افغانستان در نبردی با طالبان در منطقهٔ موسوم به "بادپخ" در ولایت لغمان ۱۳ شورشی طالب را، از جمله یک فرمانده ارشد آنان را کشته است.

سخنگوی وزارت دفاع افغانستان گفت که پنج تن از افراد کشته شده در این نبرد "خارجی ها " بوده اند.

در مقابل طالبان ادعا کرده اند که آنها تلفات سنگینی را به نیروهای ارتش وارد کرده اند و شماری از وسایط آنها را به آتش کشیده اند.

در این اواخر طالبان تهدید کرده اند انتخاباتی پارلمانی را که قرار است در ۲۷ سنبلهٔ سال جاری برگزار گردد، مختل خواهند کرد.

افزایش خشونت ها در سراسر کشور به خصوص در جنوب نگرانی های را در میان مردم به بار آورده است.

با آن که تلاش های زیاد به هدف تأمین امنیت در ولایات جنوب و شرق صورت گرفته است و عملیات متعدد نظامی نیز در این مناطق راه اندازی شده، اما با آن هم مردم ص۷

کشته شدن ۱۰ نفر در بدخشان

صالح زاده زیباکی از ولایت بدخشان

مسوولان محلی در بدخشان از دریافت اجساد هشت شهروند خارجی و دو شهروند افغانستان در ولسوالی کران و منجان یکی از مناطق کوهستانی و دور افتادهٔ این ولایت خبر می دهند.

مقامات پولیس بدخشان می گویند، این گروه حدود دو هفته قبل از بروز حادثه، از طریق ولایت پنجشیر به ولایت نورستان رفته بودند.

جنرال آقانورکین توز فرمانده پولیس بدخشان در گفتگو با صدای آزادی در مورد حادثه یی که منجر به کشته شدن این افراد شده است، گفته است که تحققات اولیه پولیس نشان می دهد که قاتلان این افراد باشندگان ولایت نورستان باشند.

یکی از رانندگان این گروه گفته است که آن ها درجریان بازگشت از ولایت نورستان در منطقهٔ به نام کوتل شارون مشغول صرف غذا بوده اند که از سوی مهاجمان مسلح به رگباربسته شده اند. براساس اظهارات این فرد، مهاجمان به لهجهٔ نورستانی حرف می زدند و ریش های زرد بلند داشته اند.

موسسه یی که این افراد برای آن ها کار می کردند اعلام کرده است که این افراد مشغول عرضهٔ خدمات چشم پزشکی برای باشندگان ولایت نورستان بودند و در بازگشت آن ها به خاطر برگشت مصوون از راه بدخشان سفر کرده بودند. اما قوماندن امنیه بدخشان می گوید که این افراد هیچ گونه هماهنگی با نیروهای امنیتی بدخشان نداشته اند.

شایعاتی در بدخشان وجود دارد که این افراد مشغول تبلیغ عیسویت در این منطقه بوده اند البته چیزی که از سوی مسوولان نهادی که این افراد برای آن کار می کردند، رد شده است.

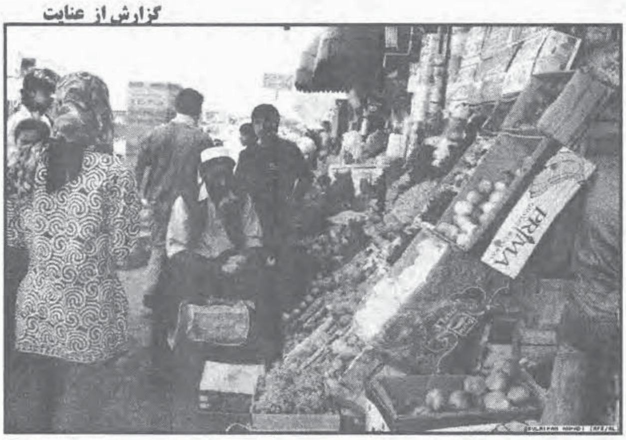
حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و شورشیان طالب مسوولیت ترور این گروه را به عهده گرفته اند، اما مسوولان محلی در بدخشان می گویند که حادثه قتل این افراد بیشتر اقتصادی بوده تا سیاسی و گفته می شود که نه شورشیان و نه حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در این منطقه نفوذ دارند.

کشته شدگان این حادثه هفت شهروند آمریکایی یک شهروند آلمانی و یک شهروند بریتانیایی و دو شهروند افغانستان هستند و فردی که از حادثه جان سالم به در برده است، خود را حفیظ الله باشنده ولایت کابل معرفی کرده است.

جنرال کینتوز قوماندان امنیهٔ بدخشان می گوید که تحقیقات در مورد رد یابی عاملان قضیه آغاز شده است، اما به دلیل دور بودن این منطقه از قریه جات و مرکز ولسوالی، به زمان بیشتر نیاز است تا نتایج خوبتر به دست بیاید.

افزایش قیمت ها و دلایل آن

گزارش از عنایت



همواره با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان قیمت ها در بازارهای کشور به خصوص شهر های بزرگ افزایش چشمگیری می داشته باشد.

آنطور که تصور می شد، امسال نیز با آمدن ماه رمضان قیمت های مواد اولیه به خصوص کالاهای مصرفی سیر صعودی خود را می پیماید.

افزایش قیمت ها در بازار نگرانی شهروندان کم درآمد و بی بضاعت را بر انگیخته است. شماری از باشندگان شهر کابل که برای خریدن مواد مورد نیاز به مارکیت های شهر آمده بودند می گویند، تقاضا برای خرید مواد خوراکه افزایش یافته و نرخ مواد نیز به صورت سرسام آوری صعود کرده است.

مسوولان اتاق های تجارت افغانستان اعلام کرده اند که در ماه رمضان از افزایش قیمت ها جلوگیری خواهند نمود.

محمد قربان حقجو مدیر عامل اتاق های تجارت طی نشست خبری اعلام نمود، اتاق های تجارت پس از مذاکره با تاجران وعرضه کنندگان مواد خوراکی، یک کمیسیون را نیز تشکیل داده است که از بلند رفتن قیمت ها جلوگیری کند.

تصمیم مسوولان اتاق های تجارت در حالی صورت می گیر د که شهروندان کابل از بالا رفتن قیمت ها شاکی بوده و می گویند، افزایش نرخ ها برای افرادی که توانایی خرید را ندارد نگران کننده است.

مختار یک تن از شهروندان کابل که مصروف خریدن مواد خوراکی در مندوی کابل بود می گوید، مواد مورد ضرورت مردم، با گذشت هر روز بلند می رود. ما از دولت می خواهیم نرخ ها را کنترل نماید.

مختار دلیل افزایش نرخ ها را به تعبیر او (هجوم) مردم به مارکیت یعنی بالا رفتن تقاضا می داند که تجار و مغازه داران با استفاده از فرصت با قیمت بلند، بالای مردم که ضرورت دارند، به فروش می رسانند.

به قول آقای مختار یک بوری آرد پیش از رمضان به یک هزار تا یک هزار و یک صد افغانی بود، اما با آمدن رمضان همان آرد به ۱۳۰۰ افغانی رسیده است. ص۷

آگهی

دفتر هفته نامهٔ مجاهد از بهارستان به چهارراه دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ، نرسیده به هوتل کابل شاهان، انتقال نموده است. خوانندگان عزیز مطلع باشند.

ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد